

## بررسی خدمات ژنرال پروسکی در محاصره هرات

احسان مهدی‌زاده و اکبر شریف‌زاده

### چکیده

با تحولات سیاسی و نظامی جهان در عصر قاجار و به‌ویژه با شکست در جنگ با روسیه، ضرورت استفاده از نظم و انضباط و لزوم بهسازی و تجهیز قشون نظامی به‌صورت حرفه‌ای توسط حکام قاجار و به‌ویژه عباس میرزای نایب‌السلطنه مورد توجه قرار گرفت. با توجه به نیاز به اصلاح قشون، تشکیلات منظم نظامی، استعمال سلاح‌های جدید و دستیابی به استفاده از علوم نظامی و صنایع وابسته، استفاده از مستشاران نظامی اروپایی رونق گرفت و افسران فرانسوی و انگلیسی و بعدها سایر اروپاییان به ایران آمده و تعلیم سپاه قاجار را برعهده گرفتند. سیاست استفاده از مستشاران نظامی سوی محمدشاه نیز پیگیری شد و افسران لهستانی در نقش مستشار وارد سپاه وی شدند. مسئله اساسی در این مقاله نقش و جایگاه پروسکی افسر لهستانی است. بنابراین نقش منحصر به فرد افسر مشهور لهستانی به نام ایزودور بروسکی یا پروسکی (Isodor Borvuský) در این زمان که توسط شاه به ریاست مدرسه نظام انتخاب شد در این مقاله مورد بررسی است. وی فرمانده جنگی در محاصره هرات بود که به قیمت از دست دادن جان خودش و دیگر یاران وفادار ایرانی و لهستانی‌اش تمام شد، لهستانی‌های زیادی در این نقش‌های متفاوتی را در صحنه سیاست ایران ایفا کرده‌اند که در این میان اسناد و مدارک در شناخت جایگاه، نقش و اهداف این افراد به محقق کمک‌های زیادی خواهد کرد. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی بر مبنای داده‌های سندی و مدارک و متون تاریخی است و نتیجه این پژوهش در درک بهتر نقش افسران لهستانی در جنگ هرات یاری‌رسان خواهد بود.

### کلیدواژه‌ها

ایران، لهستان، هرات، افغانستان، پروسکی.

## بررسی خدمات ژنرال پروسکی در محاصره هرات

احسان مهدی‌زاده<sup>۱</sup> و اکبر شریف‌زاده<sup>۲</sup>

شناخت و بررسی اسناد در پژوهش و تحقیقات تاریخی از اهمیت فراوانی برخوردار است به‌گونه‌ای که بیشترین تأکید برای مسائل جدید و شناخت علت و علل وقایع تاریخی و نقش و جایگاه افراد را اسناد روشن می‌سازند و برای پژوهش‌های جدید نیز راهگشای بهتری هستند. یکی از مراکزی که اسناد مهمی را دربردارد، گنجینه اسناد کتابخانه ملی ایران است که حاصل سال‌ها وقت و هزینه در نگهداری و شناسایی و معرفی آن‌ها بود و اسنادی در آن یافت می‌شود که برای تحقیقات تاریخی بسیار مورد توجه و دارای جایگاه ویژه‌ای هستند<sup>۳</sup>. یکی از این اسناد سندی درباره نقش ژنرال پروسکی در هرات است که توسط محمدشاه قاجار از خدمات و رشادت‌ها و زحمات وی تقدیر به‌عمل آمده، هر چند سند حاضر به شرح اعطای درجات پروسکی و تقدیر و تشکر از زحمات وی بوده اما حاوی اطلاعات در خور تأمل از جنگ هرات و شرحی بر زحمات و خدمات سران سپاه و ذکر اماکن و جغرافیای جنگ نیز هست. در این مقاله ابتدا به استنساخ متن سند پرداخته و سپس داده‌های سند را بر اساس شواهد تاریخی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### متن سند: شرح خدمات پروسکی

«به تاریخ شهر ذیقعدہ ۱۲۵۳ به شرح آنکه چون عالیجاه عمدہ‌المنتخبین جنرال پرسکی از هنگام درک شرف قبول تا اکنون دقیقه [ای] از رسوم خدمت نیاسوده است. از محاسن

۱. کارشناسی ارشد مدیریت  
برنامه‌ریزی، نسخه‌پژوه و فهرست‌نگار؛  
ehmehdi51@gmail.com  
۲. دانشجوی دکترای تاریخ؛ فهرست‌نگار  
نسخ‌خطی اداره‌کل کتاب‌های خطی و  
نادر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.  
sharifzadeh1@yahoo.com  
۳. هر چند که با دستور نسنجیده مدیران  
اسبق سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران  
همه این اسناد به ساختمان آرشیو منتقل  
و عملاً امکان دسترسی برای محققان از  
بین رفت.



اهتمامات جلیله خود که از عهد ولیعهد جنت رضوان به عرصه ظهور درآورده و در [این] مدت سیر ترقی کثیر کرده، به منصب سرکردگی منصوب و در زمره چاکران محسوب گشت. نخستین در قلعه سلطان میدان که شرفیاب رکاب ولیعهد مبرور بوده به اعطای یک قطعه نشان مکمل از جانب ولیعهد مبرور سرافراز شد و در قلعه خوشان و سرخس جنگهای دلیرانه به جای آورد و باز چون شیر شکاری پیش افتاده آهنگ یورش کرد و زخم خورد و از طرف قرین الشرف خاقان مغفور نشان شیر و خورشید مرصع از مرتبه دوم [چند کلمه ناخوانا] نمود و همچنین در سفر هرات و قلعه کوشان و درّه جز و فریمان و جنگ ترکمان که خدمات امور او دیده از جانب نواب همایون به اعطای یک قطعه شمشیر مرصع به اقسام جواهر سربلند و میاهی گردید و به درجه سرتیپی رسید. در این منصب جلیل به حسن خدمتگذاری خود را ظاهر ساخته تا اینکه در بدو طلوع نیر اعظم سلطنت سنیّه که کاخ جهاننداری به عز وجود همایون ما پیرایه پذیرفت او را به تنبیه اکراد نیشابور مامور فرمودیم. با نهایت تهوّر قلعه اکراد را محاصره و به حیطة تسخیر آورد. به اعطای منصب جلیل جنرال مغازی و یک قطعه نشان مکمل به انواع لالی در مرتبه اول با حمایل مفتخر و ممتاز گشت. پارسال در سفر گرگان که شرفیاب رکاب بود در مقدمه سپاه ظفر همراه با شش هزار به قرار افواج قاهره تجاری برادر گرامی فریدون میرزا<sup>۱</sup> قاری قلعه را که مقرّ طایفه ترکمان بود تسخیر کرد. خاطر ملکوت بناظر از محاسن خدمات خود خشنود نمود و امسال که ولایت [چند کلمه ناخوانا] و همه جا ملتزم رکاب و در فتوحات جلیّه با سایر جان نثاران [در حاشیه سند: مفوض داشتیم] مبارک داشته و در قلعه غوریان نهایت خدمت را کرده و مورد مراحم علیّه گشت و در دور هرات که تدبیر و تربیت یک سنگر را به او مفوض فرمودیم جانب خدمت و جلالت را به جلوه ظهور آورده و هر روز به نوعی دیگر اهتمام و سعی در تقدیم مراسم خدمت را کرد. روزی با طایفه افغانه در خارج شهر جنگ کرده بعد از امداد زمان جدال سپاه منصوره، شکست فاحش به طایفه ضالّه دادند در انتهای مجادله گلوله شمخال<sup>۲</sup> خورد. بحمدالله از میامن توجهات شاهنشاهی بفاصله مدت قلیل زخم او التیام یافت. تنفس روایح مواهب جزیله را چون صبح صادق آمد و افروختن رایت مناصبت جلیله را لایق. لهذا او را در این سال به منصب جلیل جنرال لیت نانتی<sup>۳</sup> که جاه وجیه و شان [یک کلمه ناخوانا] داده، سرافراز فرمودیم بعواطف خسروی امیدوار و مستظهر شده، روز به روز در تقدیم مهام منصب مقرر در جرات جهد و طاقت را مترقی گردد. مقرر آنکه امرا و اعظام و اعیان دربار شوکت قرار مشارالیه را مراد مراحم ملوکانه دانسته، توفیر منصب جدید او را منظور دارند و بر عهده شناسند.

سند حاضر به روشنی بیانگر وضعیت این افسر برجسته لهستانی در ایران و سرکردگی قشون و خدمات و مراتب تشویق و ترقی وی را نشان می‌دهد اما بحث کوتاهی درباره روابط

۱. فریدون میرزا (۱۲۲۵-۱۲۷۰ ق.) پسر پنجم عباس میرزای ولیعهد، هنگام مرگ پدر به نیابت از وی حکومت آذربایجان داشت و همواره همراه پدر در جنگ و سفرها بود با جلوس برادرش محمدشاه حاکم آذربایجان شد و ملقب به نایب‌الایاله شد. در ۱۲۵۲ ق. حکومت فارس را به مدت چهار سال بر عهده داشت. در ۱۲۷۰ ق. والی خراسان شد و در ۱۲۷۲ بر اثر وبا در مشهد درگذشت (بامداد، ج ۳، صص ۹۳-۹۴).

۲. شمخال: تفنگی سرپیر و سنگین با لوله ای دهن‌گشاد (مدرسی، ۱۳۸۰).

۳. اصطلاحی فرانسوی که مرتبه و درجه‌ای برابر با امیر تومان در قشون ایران عصر قاجار است (مدرسی، ۱۳۸۰، ص ۵۲۳).

ایران و لهستان در ادامه مطلب می‌آید و سپس به بحث محتوای سند و نقش پروسکی خواهیم پرداخت.

## نظامیان لهستانی در ایران

ایران و لهستان دارای روابط دیرینه‌ای هستند و هیئت‌های سیاسی، مذهبی، اقتصادی و نظامی در سده‌های پیشین بین آن دو کشور برقرار بوده است. اولین سند مربوط به روابط ایران و لهستان نامه‌ای از طرف اوزون حسن آق قویونلو برای کازیمیر یاگلون پادشاه لهستان به سال ۱۴۷۴ میلادی محفوظ در آرشیو ملی لهستان است (شفا، ۱۳۴۸، ص ۲۹۳).

بعدها در دوره صفویه نیز ارتباطات ایران و لهستان با قوت و ضعف ادامه یافت، استیفن باتونی پادشاه لهستان با سلطان محمد خدابنده پادشاه ایران، مکاتبات بین شاه عباس اول صفوی و سیگیسموند سوم، شرفیابی سفیر ارمنی لهستان توسط سیگیسموند سوم به نام سفر موراتووتیز به دربار شاه عباس کبیر، از سال ۱۶۴۱-۱۶۴۴ م. میرزا موسی بیک نامی به عنوان سفیر سیاسی ایران و ورشو بود، ژان سوپیسکی پادشاه لهستان (۱۶۷۳-۱۶۹۶ م.) یازده هیئت دیپلماتیک به ایران اعزام کرد، پیام تبریک شاه سلیمان صفوی به مناسبت پیروزی‌های لهستان در اروپا از دیگر نقاط عطف روابط ایران با این کشور اروپایی است (شفا، ۱۳۴۸، ص ۷). حضور کروسینسکی در زمان حکومت شاه سلطان حسین به عنوان مترجم دربار شاه و شاهد سقوط خونبار اصفهان و تاجگذاری محمود افغان که آن‌ها را در کتاب خاطرات سقوط اصفهان (طباطبایی، ۱۳۸۲) منعکس کرده و عشق و علاقه وی به ایران در آثارش ستودنی است (دولت‌شاهی، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

در دوره قاجاریه نیز لهستانی‌ها در ایران حضور جدی داشتند و نقش‌های مختلفی را ایفا کرده‌اند و با شروع دوره قاجار لهستانی‌ها حضور محسوسی در ایران یافتند و برخی به عنوان افسران نظامی در خدمت سپاه ایران درآمدند که اعزام سپاه به هرات در سال ۱۲۴۸ قمری توسط فتحعلی‌شاه در اثبات ادعای مالکیت در هرات و حضور ژنرال باروفسکی نشانه بارز روابط حسنه نظامی ایران و لهستان است. وی روابط حسنه‌ای با عباس‌میرزا داشت و بسیاری از لهستانی‌ها را وارد ارتش ایران کرد (انگلیش، ۱۳۸۲، ص ۲۲) و در سال ۱۸۳۸ م. در جنگ هرات کشته شد و در جلفای اصفهان در نزدیک کلیسای ارمنی کاتولیک دفن شد.

از دیگر لهستانی‌های ایران دوست می‌توان به خوجکو الکساندر بوریکا (۱۸۰۴-۱۸۹۱ م.) شاعر و سیاستمدار لهستانی اشاره داشت که در سال ۱۲۶۸ قمری از ناصرالدین‌شاه قاجار به دریافت نشان شیر و خورشید مفتخر و لقب میرزا را دریافت کرد و کتاب دستور زبان فارسی، تئاتر ایرانی (تعزیه) و رهاوردهای مأموریت سیاسی و نمونه‌هایی از شعر مردم ایران از آثار او



است (ثروت، ۱۳۸۴، صص ۱۴۴-۱۶۸).

منابع عصر قاجار از فردی به نام راتولد یا راطوله کحال لهستانی نام می‌برند: اعتمادالسلطنه در خاطراتش در روز یکشنبه ۷ محرم سنه ۱۳۱۳ق. چنین می‌نویسد: «علی‌الرسم در خانه رفته در مراجعت شنیدر و راتول کحال را منزل آورده با آنها نهار خوردیم» (خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۱۰۱۹).

ایزیدور بروسکی از افسران شجاع لهستانی تبار در جریان محاصره هرات خود را در دفاع از تمامیت ارضی ایران فدا کرد و به یکی از داشته‌های میراث مشترک دو ملت تبدیل شد. در میانه جنگ جهانی دوم ایران به مدت چهار سال پناهگاه و میزبان بیش از یکصد و بیست هزار مهاجر لهستانی بود که پس از حمله هیتلر به روسیه، از اردوگاه‌های سیبری آزاد شده و به ایران سرازیر شده بودند و شهر اصفهان مرکز تمرکز و تجمع یتیمان خردسال لهستانی این مهاجرت بزرگ بود به «شهر بچه‌های لهستانی» شهرت یافت. لهستان اولین کشوری بود که به ترجمه گلستان سعدی در آغاز قرن هفدهم توسط دانشمند لهستانی اوتونوسکی و به‌واقع اولین ترجمه اثری فارسی به یک زبان اروپایی بود. پس از بازگشت این مهاجران به لهستان، آموزش زبان فارسی و ایرانشناسی که پیش از جنگ در معتبرترین دانشگاه این کشور در کراکوف دایر بود، در دانشگاه ورشو نیز راه‌اندازی شد.

با این مقدمه لهستانی‌های زیادی چه قبل از جنگ هرات و چه بعد از این در ایران حضور مستمری داشته و اثر و آثاری از آن‌ها برجای مانده که درخور توجه است. ما در این تحقیق به بررسی نقش و عملکرد بروسکی خواهیم پرداخت.

### پروسکی در ایران

با تجهیز سپاه توسط عباس‌میرزا افسران لهستانی که توانسته بودند اعتماد دربار و ولیعهد را جلب کنند از جمله ژنرال باروفسکی که مقام فرمانده و مشاور جنگی در حمله به هرات را ایفا و در جنگ هرات نیز به قتل می‌رسد با خود عده زیادی از افسران و سربازان لهستانی را آورده و وارد سپاه ایران کردند یکی از این سربازان و افسران ایزیدور بروسکی است<sup>۱</sup>، ایزودور بروسکی یا بروسکی افسر لهستانی‌الاصل متولد شهر ویلنا<sup>۲</sup> بود. از وی در پی‌نوشت ناسخ‌التواریخ چنین یاد شده است: «مردی کوشا و پویا و درعین‌حال توطئه‌گر و صحنه‌ساز بود. وی در موقع حمله روس‌ها به‌همراه پادشاه لهستان به لندن رفت و از لندن برای خدمت به آفریقای جنوبی و پس از آن سر از هند در آورد. از هندوستان عازم ایران تا زیر نظر ولیعهد ایران عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، سازمان نظامی ایران را سر و سامان دهد. به‌زودی مورد توجه ولیعهد و شاه ایران قرار گرفت و خیلی خوب توانست اطمینان ایشان و دیگر رجال بلند پایه ایرانی را جلب کند

1. Isodor Borvuskyy

2. Wilna



و در جنگ هرات با همتای دیگرش سیمنو شرکت جست. در این جنگ هر دو تیر خوردند، سیمنو که از ناحیه شانه زخمی شده بود بهبود یافت، اما پروسکی که گلوله به شکمش اصابت کرده بود درگذشت (سپهر، ۱۳۷۷، ص ۶۷۸).

بر اساس سند حاضر که سواد فرمان محمدشاه در اعطای منصب نظامی به پروسکی و شرح خدمات وی است از زمان عباس میرزای ولیعهد پدر محمدشاه قاجار، این افسر لهستانی در خدمت ارتش ایران بوده است ولی اینکه دقیقاً وی در چه تاریخی و چه زمان و به چه دلیل وارد خدمت نظام قاجاری شده، بر ما مکشوف نیست اما اولین حضور وی در منابع و سند حاضر به تصرف قلعه سلطان میدان، توسط عباس میرزای ولیعهد که با شهامت و شجاعتش موفق به دریافت یک قطعه نشان مکمل شده و در حملات قلعه سرخس و خبوشان که مجروح می‌شود از دست خاقان مغفور، فتحعلی‌شاه قاجار نشان شیر و خورشید مرصع از مرتبه دوم دریافت می‌کند، در سفر هرات و قلعه کوشان، دره‌جز و جنگ با ترکمان‌ها خدمات بسیاری انجام داده و از طرف عباس میرزا به یک قطعه شمشیر مرصع با اقسام جواهر سربلند و به درجه سرتیپی رسیده است.

در قلعه غوریان نهایت خدمت کرده، محمدشاه در جنگ هرات یک سنگ را بر عهده وی گذارده و در یک جنگ افاغنه را شکست سختی داده و در آخر جنگ تیر خورده و البته به فاصله اندکی مداوا و به میدان جنگ بر می‌گردد و در سال ۱۲۵۳ قمری به جنگ با اکراد نیشابور مأمور شده و با پیروزی بازگشت و موفق به دریافت منصب «جنرال مغازی» و یک قطعه نشان مکمل در مرتبه اول دریافت کرده و با رکاب محمدشاه به تسخیر گرگان فرماندهی شش‌هزار مرد جنگی را بر عهده داشته است.

در نبرد قاری‌قلعه به همراه فریدون میرزای قاجار برادر محمدشاه شرکت داشته و موفق به شکست ترکمن‌ها شده است و سپس در محاصره قلعه غوریان و هرات شرکت کرده که در این جنگ زخمی شده و ظاهراً به همین زخم نیز جان خود را از دست داده است.

«وقایع سال ۱۲۵۳ قمری جنرال پروسکی با قراولان خود از جای جنبش کرده بر آن جماعت حمله بردند ... در این جنگ زخمی برداشت» (سپهر، ۱۳۷۷، ص ۶۹۱).

پروسکی صاحب پسر پادشاه لهستان مملکت له [لهستان] که سال‌ها چاکر حضرت بود به خواستاری خویش در سنگر صمصام جا کرد [اشتباه وی را استاد کیانفر در پاورقی ناسخ به دلیل همراهی پادشاه انگلستان به لندن می‌داند (سپهر، ۱۳۷۷، ص ۷۱۶).

بالجمله هم در این وقت پروسکی به زخم گلوله از پای برفت (سپهر، ۱۳۷۷، ص ۷۱۸).  
با توجه به این سند وی در این جنگ زخمی شده و به نظر می‌رسد سرانجام در اواخر همین جنگ جان خود را از دست می‌دهد. برخی از منابع احتمال جاسوسی برای انگلیس را نیز برای



پروسکی برشمرده‌اند، «هما ناطق» در پی‌نوشت کتاب خود در خصوص بروسکی اینگونه می‌نویسد: «بروسکی افسر لهستانی که از جانب روس‌ها در سپاه عباس‌میرزا خدمت می‌نمود و برای انگلیسی‌ها جاسوسی می‌کرد».

### نتیجه‌گیری

اسناد اطلاعات دست اول و معتبری در خصوص وقایع و حوادث تاریخی به‌دست می‌دهند که کمتر در منابع دیگر می‌توان از آن‌ها یافت. سند حاضر نیز یکی از اسناد دست اول در خصوص افسر لهستانی است که حاوی شرح خدمات و وفاداری و دلیری وی در جنگ‌های مختلفی است که بر عهده وی گذاشته شده است. این سند چندین نکته از زوایای تاریخ معاصر ایران به‌ویژه در هنگامه جنگ هرات را روشن می‌سازد، اول آنکه استفاده از نیروهای خارجی به هر دلیلی مورد توجه دربار ایران قرار داشته، دوم آنکه افسران لهستانی و به‌ویژه بروسکی بسیار مورد اعتماد فرماندهان سپاه ایران بوده است و سوم آنکه این لهستانی با دلیری و شجاعت و جوانمردی جان خویش را در سپاه ایران و در جنگ هرات تقدیم کرده که شایسته تقدیر است. از طرفی نشان می‌دهد چگونه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای استفاده از منابع مادی و معنوی کشورهای فقیر به هر وسیله‌ای تمسک جسته و از هر ابزاری برای رسیدن به اهداف خویش بهره می‌گیرند. همچنین دربار قاجار به واقع اسیر دسیسه‌های مختلفی از طرفین درگیر بوده و تصمیم‌گیری و اجرای آن بسیار دشوار و خطرناک شده است. با این اوضاع و احوال می‌توان نتیجه گرفت که تنها عدم کفایت و سیاست هیئت حاکمه قاجار دلیل شکست ایران نیست بلکه عوامل متفاوت و پیچیده‌ای باعث از دست دادن هرات و در نتیجه افغانستان شد.









## منابع

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره؛ میرمحمد صادق، سعید (۱۳۷۵). *ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات ۱۲۶۶-۱۲۳۶ هجری قمری*. تهران: انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران، نشر تاریخ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۷۹). *روزنامه خاطرات*. تهران: امیرکبیر.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۸۰). *انفصال هرات*. تهران: سیامک.
- انگلیش، باربارا (۱۳۸۲). *جنگ ایران و انگلیس: جدایی هرات*. ترجمه منصوره اتحادیه و سعاد پیرا. تهران: نشر تاریخ ایران.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. تهران: کتابفروشی و انتشارات زوار.
- ثروت، منصور (۱۳۸۴). *خوجکو. نامه انجمن*، ۵ (۲)، صص ۱۴۴-۱۶۸.
- حبیب‌اللهی، محمد (۱۳۵۸). *روابط ایران و لهستان در طی قرون*. مجله وحید، شماره ۲۶۲ و ۲۶۳، صص ۵۴-۶۹.
- دولتشاهی، علیرضا (۱۳۸۳). *آن شاهد زژوئیت. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اردیبهشت، ص ۲۳*.
- دولتشاهی، علیرضا (۱۳۸۶). *لهستانیان و ایران*. تهران: بال.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ*. به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجاریه*. تهران: مدبر.
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). *لقاب رجال دوره قاجاریه*. تهران: نشر نی.
- سند خطی شماره ۹: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (اداره کل کتاب‌های خطی و نادر).
- شفا، شجاع‌الدین (۱۳۴۸). *جهان ایران شناسی*. تهران: [بی‌جا]. ج ۱، ص ۲۹۳.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۲). *سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی*. تهران: نگاه معاصر.
- سفارت لهستان (۱۳۸۸). *لهستان و ایران: برگ‌هایی از تاریخ روابط ایران‌ها و لهستانی‌ها / گردآوری سفارت لهستان*. تهران: کتاب‌سرا.
- مدرس، یحیی (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار: قشون و نظمیه*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ناطق، هما (۱۳۵۷). *از ماست که بر ماست*. تهران: آگاه.
- نیک‌پور خشک‌رودی، رضا (۱۳۸۷). *نگاهی به تاریخ روابط ایران و لهستان*. بررسی‌های نوین تاریخی، شماره ۴ و ۵، صص ۱۴۷-۱۵۹.

